تیم ملی فوتبال ایران در اولین بازی خود بعد از قهرمانی در جام ملت‌های آسیا سال ۱۹۷۲ بانکوک؛ ایستاده از راست: منصور رشیدی، ابراهیم آشتیانی، جعفر کاشانی، اکبر کارگر جم و اصغر شرفی - نشسته از راست: حسین کلانی، پرویز قلیچ‌خانی، علی جباری، علی پروین و مسعود مژدهی

اعتراف کرد: «اگر با تیم خودم رفته بودم شک نکن مدال می‌گرفتم ابرام. اگر تیم کاملم را داشتم حتماً می‌رفتم روی سکو. ما حتی قبل از بازی‌ها در مسابقه دوستانه، تیم ملی فرانسه را با میشل پلاتینی برده بودیم.» حشمت حواسش نیست شاید منظورش از دیدار دوستانه دو تیم ایران و فرانسه همان بازی مونترال باشد که ۳-۳ کردند. دوگل فرانسه را پلاتینی زده بود و هر سه گل ایران را مدافعانش آندرانیک و عمونصی به ثمر رسانده بودند.

۱۱ جشنواره رئال مادرید

یکی از افتخارات تیم دهه پنجاهی حشمت حضور در جشنواره معتبری مثل تورنمنت کلوپ رئال مادرید (فروردین ۱۳۵۶) بود که در آنجا با غولی چون آرژانتین پنجه در پنجه انداخت که یکسال و اندی بعد در جام جهانی ۱۹۷۸ جام قهرمانی را بالای سر برد.

حشمت که تا پیش از بازی با تیم ملی آرژانتین در مادرید، دپرس و مغموم به نظر می‌رسید و به قول ابوالفضل جلالی مخبر اعزامی نشریه تاج به جشنواره رئال مادرید، سیگار را با سیگار روشن می‌کرد بلافاصله بعد از درخشش تیمش مقابل آرژانتینی‌ها خوشحال‌ترین مرد کهکشان‌ها بود. جلالی در گزارش خود از مادرید نوشت: «در پایان بازی با آرژانتین که خبرنگاران خارجی حشمت را همچون نگینی در آغوش گرفته بودند او بسیار خوشحال بود. درست برخلاف روزهای سابق که مغموم به نظر می‌رسید. به طوری که هزار و یک فکر از سرش می‌گذشت و سیگار یار جدا نشدنی مربی تیم ملی بود. هرکسی را که می‌دید با ترس و تردید صحبت می‌کرد اما پس از بازی درخشان ایران مقابل آرژانتین، او عین پسته دربسته خندان شده بود و در رختکنی پس از تشکر و بوسیدن تک تک بازیکنانش گفت: «بچه‌ها هیچ به فکر پنالتی‌ها نباشید و جر و بحث نکنید که اگر فلانی پنالتی‌اش را گل کرده بود چه می‌شد و چرا خراب شد. فقط افتخار کنید که در چنین مکانی خوب درخشیده‌اید. من قرار بود اگر پیروز شدید برایتان پاداش بگیرم اما حالا هم شما همان پاداش را خواهید گرفت چون از نظر من پیروز شده‌اید.»

جشنواره رئال مادرید ۱۹۷۷ به مناسبت هفتاد و پنجمین سالروز تأسیس این باشگاه معتبر و با دعوت از نمایندگان قاره‌های آسیا (ایران)، آفریقا (تیم مولدیه الجزایر- قهرمان باشگاه‌های این قاره) و آمریکای جنوبی (تیم ملی آرژانتین) برگزار شد و در آن تیم حشمت‌خان چنان بلایی سر آرژانتین آورد که تمام روزنامه‌های اسپانیا دست به ستایش تیم پرشین زدند و از قول سزار منوتی - سرمربی آرژانتین و تئوریسین مدرن فوتبال جهان نوشتند که این تیم ایران پدیده فوتبال دنیاست. روزنامه‌های معتبر اسپانیش بعد از رویارویی رویایی تیم ایران در مادرید نوشتند: «تیم آرژانتین در بیشتر لحظات بازی اسیر ایران بود و در پایان نود دقیقه با خوش اقبالی از بند ایران جست. این پرشکوه‌ترین نمایش تاریخ فوتبال ایران بود.» تماشاگران اسپانیایی در استادیوم سانتیاگو برنابئو با فریادهای «هوله هوله» یکپارچه و وجدزده به تشویق تیم ایران پرداختند. ابتدا آرژانتین در دقیقه پانزده و از روی نقطه پنالتی توسط بازیکن نام‌آور خود دانیل برتونی دروازه ایران را گشود اما انگار که به غیرت تیم ایران برخورده باشد چنان دست به حملات همه‌جانبه زد که سرانجام در دقیقه ۸۱ بازی توسط محمدصادقی دروازه آرژانتین کبیر را فرو ریخت. کاش بازی در همین نود دقیقه پایان می‌یافت و نوبت به ضیافت پنالتی‌ها نمی‌کشید. هنگامی که ستاره‌های دو تیم پشت نقطه پنالتی ایستادند ما چه نگونبخت بودیم که این ضیافت با پیروزی مفت و مجانی آرژانتینی‌ها به پایان رسید. آنها به لطف تجربه بین‌المللی خود قسر دررفتند و ۵-۲ بردند. یک پیروزی خوشگل و مامانی برای راه راه پوش‌های فیروزه‌ای میزبان جام جهانی ۱۹۷۸ که باعث شد «کانی» دروازه‌بان نامدارشان به خاطر مهار دو ضربه پنالتی حسن روشن و ابی قاسمپور از شادی در پیراهنش نگنجد و به همراه طفلش در وسط میدان به شادی بپردازد و دست‌هایش را به علامت پیروزی به بالا ببرد.

جام رئال مادرید که تمام شد چهار اسطوره جهانی فوتبال آمریکای لاتین درباره کیفیت تیم ملی ایران سخنان دلگرم کننده‌ای بر زبان آوردند. دی استفانو ستاره جهانی فوتبال گفت: «ایرانی‌ها مثل فلفل تیز بودند. اگر آنها تجربه بیشتری داشتند پیروزی‌شان بر آرژانتین دور از دسترس نبود.» ریموند کوپا افسانه فوتبال اسپانیا گفت: «من غافلگیر شدم. شماره شش‌تان (قاسمپور) یک استثناست. او بیشتر به دلم چسبید. تیم پیروز، ایران بود و تیم خوش اقبال، آرژانتین.» همچنین سانتینا برنابئو بنیانگذار رئال نیز اذعان داشت: «ایرانی‌ها در جشن ما آتشبازی به راه انداختند. من هرگز در ذهنم ایرانیان را با چنین فوتبالی تصور نمی‌کردم. شما چند بازیکن بین‌المللی دارید که می‌توانید آنها را به اروپا صادر کنید.» و بالاخره سزار منوتی رهبر تیم ملی آرژانتین که با تمام قاطعیت‌اش بازی عالی ایران را ستود.

خبرنگاران ایرانی از صید بازیکنان توسط واسطه‌های اروپایی گزارش دادند: «پس از پایان بازی‌ها وقتی تیم ایران به هتل آمد سر و کله چندین ناشناس در سرسرای هتل پیدا شد. اینان دلالان و واسطه‌های تیم‌های دسته اول و دوم لیگ اسپانیا بودند و پیشنهادهای خوب حتی بالای یکصدهزار دلاری رو می‌کردند اما به آنها تذکر داده شد که اینها فروشی نیستند!»

حشمت در حالی که بدفرم شادمان می‌زد به خبرنگاران ایرانی گفت: «بسیار خوشحالم که بنا به گفته برنابئو - بنیانگذار رئال مادرید- ما به جشن رئالی‌ها رونق داده‌ایم. بسیار قاطع می‌گویم که در زمان مربیگری من تیم ملی هرگز به این درجه از بزرگی و شکوه ظاهر نشده بودیم. مسلماً این بهترین بازی تیم ملی بود.» رضا عادلخانی که در تورنمنت رئال مادرید در پست گوش چپ تیم ملی ایران درخشید و نظر مفسر اکیپ را چنان جلب کرد که به او لقب «شگفت انگیز» داد چند ماه بعد در حالی که ستاره تیم حشمت برای جام جهانی ۱۹۷۸ به شمار می‌رفت ناگهان در حالی که در منزلش مشغول پرستاری از دختر یکماهه‌اش نیلوفر بود پایش در پلکان‌های طبقه دوم منزلش لغزید و افتاد و مصدوم شد. و جام جهانی را به این مضحکی از دست داد.

از دیگر ستاره‌های ایران در جشنواره مادرید حسن نظری دفاع راست ایران بود که پیراهن شماره ۲ او در موزه رئال به یادگار ماند. پسرک موقرمز و یتیم آبادانی که چند سال پیش از آن وقتی به تیم ملی دعوت شد از آبادان تا تهران را با گریه و زاری آمد. اولین بار که تهران را از نزدیک دید و پا به امجدیه گذاشت حشمت بازی حسن سرخو را پسند کرد: «نظری! فردا بیا اردوی تیم ملی جوانان ایران.» حسن سرخو اما از این دعوت‌نامه ناگهانی برای تیمی که جهت شرکت در قهرمانی جوانان آسیا عازم بانکوک بود به جای خوشحالی عزا گرفت. برگشت آبادان و آنجا به پست هم‌تیمی‌هایش در صنعت نفت- اسمال کشتکار و عباس نکویی- خورد که وقتی فهمیدند حسن سرخو دعوت به تیم ملی را پیچانده، شاکی شدند و او را سه سوته بردند ایستگاه قطار آبادان و سوار واگن‌اش کردند و فرستادند تهران تا صبح علی‌الطلوع خودش را معرفی کند به اردوی تیم ملی. حسن اما در اندیمشک از ترن پیاده شد و هلخ هلخ برگشت آبادان. اسمال و عباس که باز حسن سرخو را دیدند این بار با ملامت و شماتت، او را بردند فرودگاه و سوار طیاره‌اش کردند و آنجا آنقدر ایستادند تا هواپیمای زندانی! پرید به سمت تهران. در تهران حشمت سجلدشو ازش گرفت که دیگر هوس بازگشت به ولایت به سرش نزند.

پسرکی که به زور تا تهران آمده بود، همای اقبال روی دوشش نشست. اولش با همان تیم حشمت قهرمان جوانان آسیا شد. بعد با تیم ملی قهرمان آسیا شد. و در جشنواره رئال مادرید و جام جهانی ۱۹۷۸جلوی بهترین‌های دنیا بازی کرد. و یکهو واسطه رئال مادرید را مشتری خود دید. هنگامی که واسطه شیکان پیکان مادریدی با صدقیانی و فرهاد شریعت چانه می‌زدند که رئالی‌ها یک میلیون و دویست هزار تومان به پاش می‌ریزند او بهانه آورد که بگذارید تیم ملی ایران بازی‌های جام جهانی پیش رو (۱۹۷۸) را تمام کند، بعد مذاکرات را پی بگیریم. حسن در بازگشت به خبرنگاران ایرانی که دهن‌شان از پیشنهاد تیم معروف مادریدی آب افتاده بود گفت: «پول چیز خوبی است. بخصوص در این زمانه که حلال هر مشکلی است اما همه زندگی آدم را پول نمی‌سازد. نباید احساس را زیرپا گذاشت و تمام پیوندهای عاطفی را گسست. اگر همه بگذارند بروند، چه زیانی به فوتبال مملکت می‌خورد؟ پس وطن‌پرستی آدم‌ها چه می‌شود؟ وقتی یک تیم روی بازیکنانی که دارد حساب می‌کند صحیح نیست که آن افراد، عهدشکن باشند. باور کنید وقتی سه بازیکن تاج (روشن و مظلومی و...) به الاهلی رفتنی شدند، من بیشتر متعهد شدم که با باشگاه خود قرارداد تازه‌ای ببندم و به تقاضای الاهلی پاسخ منفی بدهم.»

۱۲ جشنواره پاری سن ژرمن

پارک دوپرنس روزگاری برای درخشش ستاره‌های ایران هورا کشیده بود. مخصوصاً در تحسین دو ستاره فوتبال ما ناصر حجازی و ابی قاسمپور چشم‌هایش گرد شده بود. هنوز تیتر روزنامه‌ها در ستایش این دو بازیکن در آرشیوها موجود است: «حجازی و قاسمپور تحسین پارک دوپرنس را برآوردند.» این تیتر گزارش روزنامه‌های ورزشی ایران از اردیبهشت ۱۳۵۷ و حضور تیم ملی در جشنواره چهارجانبه «پاری سن ژرمن» بود که نشان می‌داد حیران درخشش ستاره ما شده‌اند. کسب نتیجه مساوی یک- یک شاگردان مهاجرانی با شاگردان ارنست هاپل و درخشش در برابر فرانسه که رهبری چون میشل هیدالگو را روی نیمکت داشت چنان درخشان بود که اگر بازی‌های پارک دوپرنس را در جام جهانی آرژانتین ۱۹۷۸ از خود نشان می‌داد بی‌شک به پدیده پر راز و رمز آن جام تبدیل می‌شد اما حیف که در آرژانتین به خاک و خون نشست.

روزنامه رستاخیز در ستایش بازی دلاورانه تیم ملی ایران در مصاف با اف سی بروژ (نایب قهرمان جام باشگاه‌های آن سال اروپا) در حالی که داشت حریف را می‌جوید اما در پایان به نتیجه مساوی۱-۱ رضایت داده بود چنین نوشت: «در دیدار با تیم ملی فرانسه توی دهن‌ها افتادیم اما ورزشگاه پارک دوپرنس ما را بیشتر باور کرد و لباس بزرگی را بر تن بچه ایران اندازه دید. فرارهای قاسمپور از جناح راست که با یاری پروین صورت می‌گرفت او را در سطح یک بازیکن برجسته در سطح بین‌المللی نشان داد. همچنان که حجازی در مقابل شوت‌های پتکی و سانترهای پرقوس مهاجمان حریف، روزی بزرگ را سپری کرد. اف سی بروژ که مقام نایب قهرمانی اروپا را در اختیار دارد هرگز حاضر نمی‌شد تا سهل و آسان حیثیت تازه کسب شده خود را به خطر اندازد. در نیمه اول همه چیز در دست ما بود و حریف کاملاً تحت تأثیر قوای کوبنده شاگردان مهاجرانی. ما داشتیم دمار از روزگار نایب قهرمان اروپا درمی آوردیم اما باورمان نمی‌شد. تیم ما سزاوار پیروزی بود و یک نیمه با اف سی بروژ کاری کرد که حتی از تیم‌هایی چون لیورپول هم سر نزده بود. در این لحظات پراضطراب اما ناصر حجازی دلیل اصلی استواری دروازه ایران شد. البته روز روز قاسمپور بود و این هافبک

«کمپس» فاتح «گنج الماس» جام جهانی
- چاکر و بنده تیمی هستم که ۱۱ انسان در آن شریکند

آنها نمیدانستند که چه

روزنامه‌های معتبر اسپانیش بعد از رویارویی رویایی تیم ایران در مادرید نوشتند: تیم آرژانتین در بیشتر لحظات بازی اسیر ایران بود و در پایان نود دقیقه با خوش اقبالی از بند ایران جست.

تصویری فراموش‌نشدنی از تیم ملی ایران در سال ۱۳۴۴